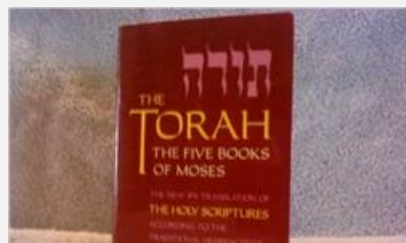


## جایگاه عبادت در قرآن

از آنجا که خداوند انسان را خداپرست آفریده و خداشناسی و خداگرایی فطری است، بشر در طول تاریخ همواره به دنبال پرستش و عبادت معنوی بوده است.



از آنجا که خداوند انسان را خداپرست آفریده و خداشناسی و خداگرایی فطری است، بشر در طول تاریخ همواره به دنبال پرستش و عبادت معنوی بوده است.

### چکیده

«عبادت» تسلیم و خضوع در برابر معبود، همراه با اعتقاد به الوهیت اوست. عبادت انجام خواسته های خداوند است. درواقع، اطاعت و فرمانبرداری از خداوند قادر مطلق و ستایش و سپاس از اوست که به اراده خویش، نعمت هایش را به انسان عطا نموده است. در دین یهود نیز عبادت اطاعت از خداوند در تمام اواصر و بندگی ایشان است. عبادت در اسلام و یهودیت، گستره ای وسیع دارد و صرفاً شامل عباداتی همچون نماز، روزه و... نمی شود، بلکه هر کاری که انسان با نیت الهی و برای رضایت خداوند انجام دهد، عبادت محسوب می شود.

عبادت در قرآن و عهد عتیق، به عنوان عهد و پیمان خداوند با بندگان بیان شده است. توحید عبادی، اصلی ترین آموزه های پیامبران الهی و رهانیدن انسان از پرستش غیرخداست. عبادت، صراط مستقیم الهی است. «عبادت» مأموریت انسان است و همه موجودات جهان خداوند را تسبیح می کنند. عبادت در قرآن و عهد عتیق از جایگاه خاصی برخوردار است و از مهم ترین مسائل زندگی انسان به شمار می رود.

کلیدواژه ها: عبادت، اطاعت، قرآن، عهد عتیق.

### مقدمه

یکی از اصیل ترین تجلیات روح آدمی و ضروری ترین نیاز های روحی بشر، حس پرستش و نیاز به عبادت است. از آنجاکه خداوند انسان را خداپرست آفریده و خداشناسی و خداگرایی فطری است، بشر در طول تاریخ همواره به دنبال پرستش و عبادت معنوی بوده است. پیامبران الهی، اصل عبادت را نیاورده اند، بلکه نوع عبادت و پرستش را به انسان آموخته اند و آنها را از پرستش غیربازداشته اند. همه ادیان آسمانی و شرایع الهی بر امر عبادت در رأس همه تکالیف تأکید دارند.

نوع پرستش و اینکه انسان چه چیزی را عبادت می کند، تأثیر بسزایی در سعادت و شقاوت وی دارد. همین نوع عبادت اوست که مسائل زندگی وی اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی و... را در جامعه رقم می زند. عبادت همه شئون زندگی انسان را دربر می گیرد و در تمام کارهای وی تأثیر بسزایی دارد، پس دارای اهمیت خاصی است و باید مورد توجه قرار گیرد.

در ادیان الهی، به ویژه در اسلام و یهودیت بر عبادت و پرستش تأکید خاصی شده است و به عنوان یک اصل جدایی ناپذیر شمرده می شود. اما با توجه به این نکته که هدف از عبادت و پرستش خداوند رسیدن به کمال و درجات والای معنوی است، باید توجه کرد که در اسلام و یهودیت، تا چه اندازه عبادت مورد توجه قرار گرفته و به ابعاد آن پرداخته شده است.

البته تاکنون تحقیق جامعی در مقایسه عبادت در قرآن و عهد عتیق صورت نگرفته است؛ تحقیقاتی وجود دارد که تنها به بیان مصادیق عبادت پرداخته اند. در این پژوهش، سعی بر این است که در بحثی تطبیقی، جایگاه عبادت در قرآن و عهد عتیق مورد بررسی قرار گیرد. دیدگاه ها بیان شود، و در پایان ارزیابی صورت گیرد و به این پرسش ها پاسخ داده شود که جایگاه عبادت در قرآن و عهد عتیق چگونه است؟ منظور از عبادت و گستره آن در قرآن و عهد عتیق چگونه است؟

### معنای عبادت در عهد عتیق

«عبادت» درواقع پرستش معبود است که معادل انگلیسی «worship» از واژه قدیمی «worthship» گرفته شده است و شامل اعمال و رفتاری است که مقام و منزلت خدای آسمان و زمین را احترام و تکریم می کند. پرستش، مرکز توجه به خداست، نه انسان و احتیاج به اطاعت، ایمان و آگاهی از این حقیقت دارد که او خدا و خداوند ماست (محمدیان، 1381، ص 414).

ابن سیرون بیان می کند که واژه «عبادت» به معنای خدمت، بر مجموعه باورها و شریعی دلالت دارد که هر انسان طالب رستگاری، به آنها نیاز دارد. وی می افزاید: در یهودیت تمامی وظایفی که در تورات وضع نموده، به عنوان بخشی از دین محسوب می شود. علاوه بر اینکه، دربرگیرنده وظایف ما در برابر خداست، تکالیف ما در برابر مخلوقات را نیز دربرداشته و آن را سامان می دهد (ماسون، 1385، ج2، ص 597).

به نظر می رسد، از میان واژه های معادل «عبادت» واژه «prayer» نزدیک ترین معنا را افاده کند. به طوری که این واژه به معنای ارتباط با خدا و به طور معمول شامل درخواست کردن، پرستش، ستایش، اعتراف به گناهان و سپاس گزاری آمده است (International standard Bible encyclopedia, v 3, p 931; Judaica, v.13, p. 978).

واژه «عبادت» در عهد عتیق بسیار به کار رفته است و در آیات زیادی به عبادت خدا و نهی از عبادت دیگران دستور داده شده است. دومین فرمان از فرمان های ده گانه، دعوت به پرستش خدا و نهی عبادت غیرخداست:

«تو را به حضور من خدایان دیگر نباشند... آنها را سجده و عبادت منما» (تثنیه، 5: 7-9) با توجه به تفاسیر کتاب مقدس واژه عبادت در عهد عتیق به معنای خدمت کردن و اطاعت الهی به کار رفته است و حفظ وصایای خداوند دلیلی بر طاعت و محبت رب دانسته شده است: «از یهوه خدای خود بترس و او را عبادت نما و به نام او قسم بخور» (تثنیه، 6: 13).

انسان اگر به دلایلی باید به چیزی سوگند یاد کند، در صورتی به آن چیز سوگند می خورد که به بعضی چیزها متعهد شود و یا بعضی چیزهایی که از او می خواهند، انجام دهد. بنابراین، به نام هر معبودی سوگند نمی خورد، بلکه به نام خدای خود سوگند می خورد و در مقابل، به رعایت و انجام بعضی کارها متعهد می شود. پس اگر انسان مالک همه خوبی ها باشد که از انجام گناه ترس داشته باشد و همواره مشغول عبادت و خدمت به خالقش باشد، می تواند به نام خالقش سوگند بخورد. در این صورت، انسان دقت خواهد داشت که با سبک سری و بی خیالی هر کاری را انجام ندهد. بدین گونه انسان خدا را واقعاً خدمت و اطاعت کرده است (Rabbeinu Bachya, , v 7, p. 2434).

#### جایگاه عبادت در عهد عتیق

عبادت و پرستش خداوند، ارتباط با خداوند در تمام امور زندگی است. عبادت بهترین راه نزدیک شدن به خداوند و کسب فیوضات معنوی است. پیام همه پیامبران الهی، دعوت به توحید عبادی بوده است. آنها در اولین دعوت خود، انسان ها را به اطاعت از خداوند فراخوانده اند. این امر، دلالت بر اهمیت این موضوع دارد و اینکه عبادت از عناصر مهم زندگی فردی و اجتماعی انسان است. پس باید مورد توجه قرار گیرد و جایگاه آن بهتر شناخته شود.

1. عبادت عهد و پیمان الهی: خداوند در کوه سینا (حوریب)، با قوم بنی اسرائیل عهد می بندد و در این عهد به آنها وعده می دهد که از میان تمام قوم ها، آنان خزانه خاص او خواهند بود (خروج، 19: 5 و تثنیه، 5: 1-3).

اما این پیمان دارای یک اصل اساسی بود و آن اینکه بنی اسرائیل برای دست یافتن به ثمرات این پیمان، باید اوامر خداوند را که در ده فرمان توسط موسی بر آنها فرستاده شده بود، اطاعت می کردند. ده فرمان حضرت موسی عبارتند از:

1. من خداوند خالق تو هستم که تو را از اسارت و بندگی مصر آزاد ساختم؛ 2. تو را معبود دیگری جز من نباشد. هیچ تصویری از آنچه در آسمان و یا بر روی زمین و یا در آب است، نساز و آنها را پرستش ننما؛ 3. نام خدای خالق را بیهوده بر زبان نیاور (از آن سوءاستفاده نکن)؛ 4. روز شنبه را به یاد داشته باش تا آن را مقدس بداری؛ 5. پدر و مادرت را احترام بگذار؛ 6. قتل نکن؛ 7. زنا نکن؛ 8. دزدی نکن؛ 9. در مورد ممنوعیت شهادت دروغ نده؛ 10. چشم طمع به مال و ناموس دیگران نداشته باش (ر.ک: تثنیه، 5: 11-21).

تنها ثبات در اطاعت از فرامین الهی و با تقدیم قربانی هایی که در عهد او بیان شده بود، بنی اسرائیل می توانستند به عنوان خزائن خاص او باقی مانده و برکت را دریافت دارند. خداوند از طریق این عهد و پیمان با قوم یهود می خواست که سایر اقوام با مشاهده اطاعت و فرمان برداری آنان نسبت به خدا و برکت یافتن آنها بخواهند که به خدا نزدیک شده و جزیی از جماعت ایمان داران گردند.

خداوند این عهد خود را مجدداً در دشت های موآب با قوم یهود یادآوری می کند: «این است کلمات عهدی که خداوند در زمین موآب به موسی امر فرمود که با بنی اسرائیل ببندد، سوای آن عهد که با ایشان در حوریب بسته بود» (تثنیه، 29: 1).

پس از آنکه نسل سرکش یهود در طی چهل سال سرگردانی در بیابان جان سپردند، خداوند عهد خود را با نسل جدیدی از آن قوم تجدید کرد که طبق این عهد، فتح سرزمین کنعان نیاز به اطاعت از فرامین الهی و ایمان داشتن به او داشت. طرح اصلی این عهد، همانند عهد در کوه سینا است: اگر قوم خدا از تمام کلمات عهد اطاعت کنند، خدا آنان را برکت خواهد داد. در غیر این صورت، به جای برکت، آنان را لعنت و مجازات خواهد کرد. پس تنها راه برای کسب برکت الهی و رسیدن به سرزمین اجدادی خود، یعنی کنعان حفظ و نگاه داشتن عهد خداوند از طریق محبت کردن و دوست داشتن او و اطاعت از اوامر و فرایض الهی، یعنی حفظ شریعت است.

این تجدید عهد همچنان در زمان پیامبران دیگر نیز ادامه داشت؛ پس از فتح سرزمین و کمی قبل از فوت یوشع، او تمامی قوم خود را بدین منظور فراخواند و همه قوم عهد او را پذیرفتند: «قوم به یوشع گفتند: یهوه خدای خود را عبادت خواهیم نمود و آواز او را اطاعت خواهیم کرد. پس در آن روز، یوشع با قوم عهد بست و برای ایشان فریضه و شریعتی در شکیم قرار داد» (یوشع، 24: 24-25).

به همین ترتیب، سایر پیامبران این عهد را بر قوم خود یادآوری می کنند و آنها را به پرستش و عبادت خداوند دعوت می کنند (سلیمان (اول پادشاهان) 8: 22-25؛ یوشیا (دوم پادشاهان) 23: 1-3؛ حزقیا (دوم تواریخ) 29: 10).

بنابراین، عبادت به قدری اهمیت دارد که خداوند آن را به عنوان عهد خود با بنی اسرائیل بیان می کند و در همه زمان ها به آن توجه داشته و آن را بر قوم یهود یادآوری می کند.

2. عبادت مأموریت انسان: «امروز یهوه، خدایت، تو را امر می فرماید که این فرایض و احکام را به جا آوری، پس آنها را به تمامی دل و تمامی جان خود نگاه داشته، بجا آور» (تثنیه، 26: 16). در این آیات، خداوند به حضرت موسی (ع) دستور می دهد، فقط خدا را عبادت کند و از عبادت غیرخدا نهی می کند. همچنین توصیه به عبادتی صادقانه و خالصانه نموده است. این امر دلالت بر اهمیت عبادت دارد.

3. دعوت همه پیامبران، عبادت و پرستش خداوند بوده است: یوشع قوم خود را به پرستش خداوند دعوت می کند. «اینک چنانکه یهوه، خدایم، مرا امر فرموده است، فرایض و احکام به شما تعلیم نمودم، تا در زمینی که شما داخل آن شده، به تصرف می آورید، چنان عمل نمایید» (تثنیه، 4: 5).

حضرت موسی (ع) نیز قوم خود را به اطاعت الهی فرمان می دهد: «پس الآن از یهوه بترسید، و او را به خلوص و راستی عبادت نمایید، و خدایانی را که پدران شما به آن طرف نهر و در مصر عبادت نمودند، از خود دور کرده، یهوه را عبادت نمایید» (یوشع، 24: 14). پیامبران دیگر نیز بر این دعوت تأکید داشته اند (سموئیل، 7: 3؛ تواریخ، 30: 6-9؛ اشعیا نبی، 1: 4).

پس دعوت تمامی انبیا بر توحید عبادی بوده و این امر باید آنقدر اهمیت داشته باشد که سرلوحه کار پیامبران قرار گیرد.

4. عبادت طریق مستقیم الهی است: «پس توجه نمایید تا آنچه یهوه، خدای شما، به شما امر فرموده است، به عمل آورید و به راست و چپ انحراف ننمایید» (تثنیه، 5: 32؛ یوشع، 1: 7؛ هوشع، 14: 9).

عبادت راه مستقیمی است که منحرف شدن از آن به سمت چپ یا راست، انسان را دچار لغزش می کند و به گمراهی می کشاند. پس کسی که در طریق مستقیم گام بردارد، انحراف او بسیار کم است و به رستگاری می رسد. این طریق مستقیم، همان شرایع الهی و دستورات دینی است. کسی که بر خلاف آن حرکت کند، در گمراهی دور به سر می برد.

5. همه موجودات خداوند را تسبیح می کنند: بر اساس آیات عهد عتیق، همه موجودات جهان خدا را تسبیح می گویند و تسبیح خدا مختص به انسان نیست، بلکه هر آنچه در این جهان و در آسمان و زمین است، به حمد و تسبیح الهی مشغول است و هیچ چیزی از آن استثنا نمی شود: «ای آسمان ها ترمتم نمایی؛ زیرا که خداوند این را کرده است! و ای اسفل های زمین! فریاد برآورید و ای کوه ها و جنگل ها و هر درختی که در آنها باشد، بسرایید! زیرا خداوند یعقوب را فدیة کرده است و خویشتن را در اسرائیل تمجید خواهد نمود» (ر.ک: اشعیا، 49: 13 و 52: 9؛ مزامیر، 69: 34؛ اشعیا، 44: 23).

هللویاه! خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید! در اعلی علیین او را تسبیح بخوانید! ای همه فرشتگانش، او را تسبیح بخوانید. ای همه لشکرهای او، او را تسبیح بخوانید. ای آفتاب و ماه، او را تسبیح بخوانید. ای همه ستارگان نور، او را تسبیح بخوانید. ای فلک الافلاک، او را تسبیح بخوانید، و ای آب هایی که فوق آسمان هاید، نام خداوند را تسبیح بخوانند؛ زیرا که او امر فرمود پس

در این آیات بیان شده که تسبیح خدا، ابتدا از اعلیٰ علین در آسمان ها آغاز می شود و در آغاز، فرشتگان را به تسبیح الهی فرامی خواند که فعل اصلی آنها تمجید اوست. سپس، به حمد خورشید و ماه و ستارگان، که نور آنها به تمامی مکان ها می رسد، اشاره می کند که این نور ذاتش، همان تسبیح و تمجید الهی است.

همچنین فلک الافلاک و آب های فوق زمین، یعنی قطرات باران که از بالا نازل می شود، آنچه زیر زمین است از ماهیان و... که در دریاها زندگی می کنند و کوه ها، بهائم، حشرات، پرندگان، برف و مه و تگرگ نیز فرمان او را انجام می دهند و او را تسبیح می گویند و واجب است او را حمد گویند؛ زیرا خداوند شایسته این تقدیس است. پس عجیب نیست که انسان خدا را حمد گوید و در برابر او خضوع نماید؛ زیرا آسمان ها با کل جنودش در برابر او خضوع و خشوع می کنند و هر آنچه در این جهان است، چاره ای جز تسبیح و سجود در برابر او ندارد؛ زیرا او در احکامش عادل است و همه ترسندگان را نجات می دهد(سنن القویم، 1973، ص 448-449 و 216).

اما درباره نوع تسبیح موجودات در عهد عتیق گفته شده، دعوت خداوند از موجودات به عبادتش از باب تجرید بیانی است. پس گویا همه آنها را اشخاص و موجودات جاندارانی قرار داده که سخن می گویند و خدا را تسبیح می کنند. این تذکری است برای انسان عاقل ناطق تا از آنها درس عبرتی بگیرد. گویا طبیعت و جهان به هزار نوع زبان نطق می کنند و زبان به حمد خدا و تسبیح او می گشایند تا اینکه معرفت الهی در همه آنها رخنه کرده و عمومیت پیدا کند. همان گونه که در آیاتی به آن اشاره شده است(همان، ص 449).

با توجه به این بیان، تسبیح موجودات به زبان معنوی است، نه زبان لفظی و همه موجودات خالق خود را به نوعی خاص و با زبانی خاص ستایش می کنند.

#### گستره عبادت

«عبادت» در عهد عتیق، منحصر به عبادات خاصی چون قربانی، روزه، صدقه و... بشود، بلکه عبادت دامنه ای فراتر از این دارد. به طوری که تمام عرصه های زندگی انسان را دربر می گیرد. در عهد عتیق، تأکید زیادی بر انجام عبادت به صورت خالصانه و صادقانه شده است. پس می توان گفت: هر کاری که انسان انجام دهد و هدف او رضای خداوند باشد، عبادت محسوب می شود. اکنون با توجه به عهد عتیق برخی از ابعاد عبادت را بیان می کنیم:

1. جنگ: جنگ به خاطر خدا عبادت محسوب می شود. چنان که در اول سموئیل آمده است:

داود به فلسطینی گفت: تو با شمشیر و نیزه و مزارق نزد من می آیی، اما من به اسم یهوه صباوت، خدای لشکرهای اسرائیل که او را به ننگ آورده ای نزد تو می آیم. و خداوند امروز تو را به دست من تسلیم خواهد کرد و تو را زده، سر تو را از تنت جدا خواهم کرد، و لاشه های لشکر فلسطینیان را امروز به مرغان هوا و درندگان زمین خواهم داد تا تمامی زمین بدانند که در اسرائیل خدایی هست و تمامی این جماعت خواهند دانست که خداوند به شمشیر و نیزه خلاصی نمی دهد؛ زیرا که جنگ از آن خداوند است و او شما را به دست ما خواهد داد (اول سموئیل، 4: 45).

2. ختنه: خداوند با ابراهیم پیمان می بندد که او و هر فرزند ذکور از خانواده و نسلش باید ختنه گردد. در این صورت، ابراهیم پدر امت های زیادی خواهد شد و سرزمین موعود به او عطا خواهد گشت. هر کس این کار را نکند، از قوم خود منقطع می شود؛ زیرا عهد خدا را شکسته است.

پس خدا به ابراهیم گفت: و اما تو عهد مرا نگاه دار، تو و بعد از تو ذریت تو در نسل های ایشان. این است عهد من که نگاه خواهید داشت، در میان من و شما و ذریت تو بعد از تو هر ذکوری از شما مختون شود، و گوشت قلفه خود را مختون سازید، تا نشان آن عهدی باشد که در میان من و شماست. هر پسر هشت روزه از شما مختون شود.

هر ذکوری در نسل های شما، خواه خانه زاد خواه زرخید، از اولاد هر اجنبی که از ذریت تو نباشد، هر خانه زاد تو و هر زرخید تو البته مختون شود تا عهد من در گوشت شما عهد جاودانی باشد. اما هر ذکور نامختون، که گوشت قلفه او ختنه نشود، آن کس از قوم خود منقطع شود؛ زیرا که عهد مرا شکسته است»(پیدایش، 17: 9-14).

3. تفکر: در عهد عتیق، به تفکر در دستورات خدا و تورات تأکید زیادی شده است و جزء عبادات محسوب می شود: «بلکه رغبت

او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می کند» (مزامیر، 1: 2)؛ «این کتاب تورات از دهان تو دور نشود، بلکه روز و شب در آن تفکر کن تا بر حسب هر آنچه در آن مکتوب است، متوجه شده، عمل نمایی؛ زیرا همچنین راه خود را فیروز خواهی ساخت، و همچنین کامیاب خواهی شد» (یوشع، 1: 8). «و الان ای پادشاهان تعقل نمایید! ای داوران جهان متنبه گردید! خداوند را با ترس عبادت کنید و با لرز شادی نمایید!» (مزامیر، 2: 10-11).

با توجه به این آیات، مطالعه تورات هدف اصلی نیست، بلکه تفکر در آیات و اجرای احکام و دستورات آن هدف مهم تر است که باید مورد توجه باشد (Bachya, v 7, p. 2386).

4. دعا: عهد عتیق انباشته از دعا، درخواست، توسل و نیایش خدا و پناه بردن به خداست. در کتاب غزل های سلیمان، مزامیر، کتاب های اشعیا و کتاب ایوب و سایر پیامبران بنی اسرائیل، دعا و گفت و گو با خداوند پررنگ جلوه می کند. دعا ایجاد ارتباط با خداوند است و موجب دریافت برکت الهی می شود و نوعی عبادت است.

ازاین رو، عبادت در عهد عتیق جایگاه خاصی دارد و از مسائل مهم زندگی انسان است و تمام زندگی انسان را دربر می گیرد و گستره وسیعی دارد.

### معنای عبادت در قرآن

«عبادت» در لغت به معنای نهایت تذلل و تواضع در برابر مولا و سرور همراه با اطاعت از او، غایت تذلل (راغب اصفهانی، 1412، ص 542؛ طریحی، 1375، ص 92)، انقیاد و خضوع آمده است (ابن منظور، 1414، ص 270) و به معنای خضوع و تذلل و اظهار خواری نیز آمده، همان طور که راهی را که با رفت و آمد بسیار صاف شود، طریق معبد گویند (فیومی، 1405، ص 261).

واژه «عبادت» در قرآن در معانی متفاوتی به کار رفته است:

1. پرستش: «وَايَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ...» (یونس: 18)؛ به جای خدا، چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند و نه به آنان سود می دهد و می گویند: اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند....

واژه «عبادت» در این آیه، به معنای پرستش می باشد که آیه با اشاره به صفات خداوند از قرار دادن هرگونه شریک برای خداوند نهی کرده است.

2. اطاعت: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (یس: 60)؛ ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید؛ زیرا وی دشمن آشکار شماست؟».

مقصود از عبادت شیطان در آیه، که خداوند از آن نهی کرده است، اطاعت از شیطان است.

همچنین معنای گرفتن اله در آیه «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»، پرستش آن اله است. مراد از پرستش هم اطاعت کردن است؛ چون خدای سبحان اطاعت را عبادت خوانده است و فرموده «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» و اعتبار عقلی هم موافق با این معناست، چون عبادت چیزی به جز اظهار خضوع و مجسم نمودن بندگی بنده نیست. عابد با عبادتش می خواهد این معنا را مجسم سازد که من به جز آنچه معبودم اراده کرده، اراده نمی کنم و به جز آنچه او راضی است، عمل نمی کنم. بنابراین، هر کس هر چیزی را اطاعت کند. در حقیقت، او را عبادت کرده و او را معبود خود گرفته است. پس اگر هوای نفس خود را اطاعت کند، آن را اله خود گرفته و پرستش کرده با اینکه غیر خدا و غیر هر کسی که خدا دستور داده، نباید اطاعت شود (طباطبایی، 1417ق، ص 29).

### جایگاه عبادت در قرآن

عبادت اوج کمال انسانی و نوعی سپاس از خداوند و مرتبه والای آن است. خداوند، کمال مطلق است و نهایت قرب انسان به این کمال مطلق در هنگام عبادت متجلی می شود. مهم ترین و اولین پیام همه پیامبران الهی، توحید عبادی بوده است. ایشان پرستش خداوند را تنها راه سعادت و نجات بشر معرفی کرده اند. ستایش و اطاعت الهی، انسان را از حضيض ذلت به اوج عزت می رساند و او را در مقامی برتر از فرشتگان قرار می دهد. بنابراین، عبادت و پرستش از ضروری ترین نیازهای روحی بشر است و باید به این امر در زندگی انسان توجه شود. ازاین رو، از اهمیت خاصی برخوردار است و باید جایگاه آن در قرآن برای ما روشن

شود تا توجه بیشتری به این اصل مهم در زندگی شود.

1. عبادت پیمان الهی: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (یس: 60)؛ ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید، زیرا وی دشمن آشکار شماست.

کلمه «عهد» به معنای وصیت (سفارش) است. مراد از پرستش و عبادت شیطان، اطاعت از اوست در وسوسه هایی که می کند و این عهدی که خدای تعالی با بنی آدم بست که شیطان را عبادت و پرستش نکند، همان عهدی است که به زبان انبیا و رسولان خود به بشر ابلاغ فرمود و تهدیدشان کرد که از او پیروی نکنند (طباطبائی، 1417، ج 17، ص 102).

2. عبادت راز آفرینش: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: 56)؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند.

این آیه بیان می کند که خلقت انسان بدون هدف نبوده و هدف از خلقت انسان عبادت خداوند است. عبادت آن قدر اهمیت دارد که خداوند هدف از خلقت انسان را منحصر در آن کرده است، تا انسان خدا را عبادت کند و مشمول رحمت الهی شود.

3. عبادت صراط مستقیم الهی است: «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (آل عمران: 51)؛ در حقیقت، خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید [که] راه راست این است.

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (زخرف: 64؛ مریم: 36)؛ در حقیقت، خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را بپرستید این است راه راست.

«وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس: 61)؛ و اینکه مرا بپرستید این است راه راست!

صراط مستقیم، راهی است که انسان را به پروردگارش می رساند و حرکت در این مسیر، همان عبادت خدا و اطاعت از اوست. در سوره زخرف تأکید «إِنَّ»، همراه با حصر «هو» ذکر شده است. این امر دلالت بر مهم بودن عبادت خدا و پرهیز از پرستش غیر او می کند.

4. عبادت مأموریت انسان: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...» (بینه: 5)؛ و فرمان نیافته بودند، جز اینکه خدا را بپرستند، درحالیکه به توحید گراییده اند، دین [خود] را برای او خالص گردانند...

– «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...» (اسراء: 23)؛ و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید.

– «...أَمَرَ أَتَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...» (یوسف: 40)؛ دستور داده که جز او را نپرستید. این است دین درست، ولی بیشتر مردم نمی دانند....

بر اساس این آیات خداوند به انسان امر فرموده که جز او را نپرستند.

5. دعوت نخست همه پیامبران عبادت خداوند بوده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (مؤمنون: 23)؛ و به یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس [به آنان] گفت: «ای قوم من، خدا را بپرستید. شما را جز او خدایی نیست. مگر پروا ندارید؟».

– «فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (مؤمنون: 32)؛ و در میانشان پیامبری از خودشان روانه کردیم که: خدا را بپرستید. جز او برای شما معبودی نیست. آیا سر پرهیزگاری ندارید؟

عبادت و پرستش خداوند یکتا و ترک پرستش هر موجود دیگر، یکی از اصول تعلیمات پیامبران الهی است و تعلیمات هیچ پیامبری از عبادت خالی نبوده است. بنابراین، شگفت آور نیست که بزرگ ترین هدف بعثت پیامبران و فرستادن رسولان و فرود آوردن کتاب های مقدس یادآوری این پیمان دیرینه به مردم و زدودن غبار فراموشی، شرک یا تقلید از روی فطرت باشد. نخستین دعوت و رهنمود هر پیامبر اینکه «اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ». نوح، هود، صالح، شعیب، لوط و هر پیامبری که به سوی قوم خود برانگیخته شد، همین دعوت را داشت و آن دعوت را به قوم خود اعلام نمود (قرضاوی، 1379، ص 30).

6. هجرت از وطن به خاطر عبادت خدا: «یا عبادِی الذین آمَنُوا إِنَّ أَرْضِی واسِعَه فِیای فاعْبُدُون» (عنکبوت: 56)؛ ای بندگان من که ایمان آورده اید، زمین من فراخ است تنها مرا پرستید.

از دیدگاه قرآن، عبادت خداوند به قدری اهمیت دارد که می فرماید: «اگر در وطن شرایط لازم برای عبادت خداوند فراهم نبود، برای یافتن مکانی مناسب برای عبادت و پیروی خداوند از سرزمین خود هجرت کنید.

7. عبادت خدا و حکومت: «الذین ان مکتاهم فی الارض اقاموا الصلاه و اتوا الزکاه و امرؤا بالمعروف و نهؤا عن المنکر و لله عاقبه الاثمر» (حج: 41)؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست.

از منظر قرآن یکی از اهداف اساسی تشکیل حکومت، ایجاد زمینه مناسب برای عبادت خداوند است. در آیه فوق و در آیه 55 سوره نور «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُعْذِلَنَّهُمْ مِنَ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد. همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند» به این نکته اشاره شده است.

8. همه موجودات جهان خدا را تسبیح می کنند: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَقْهَوْنَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِیْمًا عَقُورًا» (إسراء: 44)؛ آسمان های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست، او را تسبیح می گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می گوید. ولی شما تسبیح آنها را در نمی یابید. به راستی که او همواره بردبار [و] آمرزنده است.

– «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حدید: 1)؛ آنچه در آسمان ها و زمین است، خدا را به پاکی می ستایند، و اوست ارجمند حکیم .

با توجه به آیات قرآن، هر موجودی به نوعی به حمد و ثنای الهی می پردازد و خداوند را عبادت می کند. برخی تصور می کنند که عبادت و پرستش، فقط مخصوص انسان هاست و موجودات دیگر، که عقل و آگاهی انسان را ندارند، خداوند را عبادت نمی کنند. اما بر اساس آیات قرآن، این سخن صحیح نیست. قرآن با صراحت بیان می کند که تمام موجودات عالم به ذکر و تسبیح خدا مشغولند و هر موجودی به نوعی خداوند را پرستش می کند و این بر اهمیت عبادت دلالت دارد.

اما درباره نوع تسبیح موجودات بین مفسران نظرات مختلفی وجود دارد که به بررسی آنها می پردازیم:

1. تسبیح بعضی موجودات، مانند تسبیح ملائکه، مقربان و مؤمنین تسبیح زبانی و لفظی است و تسبیح بقیه موجودات و اجزاء آسمان ها و زمین، کوه ها، شن ها و... معنوی است (فخر رازی، 1420، ج 29، ص 442؛ آلوسی، 1415، ج 8، ص 80؛ کاشانی، 1336ق، ج 5، ص 7).

2. تسبیح در اینجا به معنای دلالت آسمان ها و زمین بر یگانگی و عدالت خداوند بی همتاست. این تسبیح معنوی به منزله تسبیح لفظی است و چه بسا تسبیح معنوی از طریق دلالت از تسبیح لفظی اقوی باشد؛ چون منجر به علم می شود.

3. همه موجودات این عالم، عاقل و غیرعاقل، از نوعی درک و شعور بهره مند هستند و خداوند را حمد و تسبیح می گویند. این تسبیح، تسبیح حقیقی و لفظی است. اما آنچه هست، این است که لفظی بودن لازم نیست، حتماً با الفاظ شنیدنی و قراردادی باشد. از جمله کسانی که این نظر را پذیرفته، علامه طباطبائی است که بحث مفصلی را در این باره مطرح کرده است که خلاصه آن چنین است:

تسبیح به معنای منزه داشتن است که با زبان انجام می شود. ولی حقیقت کلام همان فهماندن و کشف از باطن فرد است و به هر طریقی صورت گیرد، کلام خواهد بود، هرچند با زبان نباشد. این انسان است که برای نشان دادن منویات خود و اشاره بدان ها نمی تواند، از طریق تکوین آن را انجام دهد، لذا ناگزیر است. برای این کار الفاظ را استخدام کند تا بدین وسیله مخاطب را از آنچه در دل دارد، آگاه سازد. قهراً روش و سنت تفهیم و تفهم بر همین استخدام الفاظ جریان یافته است.

هر چیزی که از معنای موردنظر ما پرده بردارد، قول و کلام خواهد بود و اگر موجودی قیام وجودیش بر همین کشف باشد، همان قیام قول و تکلم است، هرچند به صورت شنیدنی و الفاظ گفتنی نباشد و ما می بینیم که این موجودات آسمانی و زمینی و خود آسمان و زمین همه به طور صریح بر وحدانیت رب خود در ربوبیت پرده برمی دارد و او را از هر نقص و عیبی منزّه می دارد. پس می توان گفت، بلکه باید گفت: آسمان و زمین خدا را تسبیح می گویند. تمام این عالم غیر از نیاز و فقر و فاقه به درگاه خداوند چیز دیگری نیست. همین احتیاج بهترین کاشف از وجود موجود نیازمند به اوست. هر موجودی با حاجت و نقص خود خدای خود را از نیاز و نقص مبرا می کند.

... حال اگر بگوییم صرف اینکه عالم به وجودش کشف از آفریدگاری می کند، سبب نمی شود که بگوییم همه عالم خدا را تسبیح می گویند؛ زیرا صرف کشف را تسبیح نمی گویند، مگر هنگامی که با قصد و اختیار توأم باشد. هم کشف باشد و هم قصد و قصد هم از توابع حیات است. اغلب موجودات عالم جمادند و از حیات بی بهره اند، پس گویا چاره ای نیست جز اینکه تسبیح را بر معنای مجازی حمل نموده و مقصود از آن را همان کشف و دلالت بر وجود پروردگار خود بدانیم.

در پاسخ می گوییم: از کلام خدای تعالی فهمیده می شود که مسئله علم نیز در تمامی موجودات هست. هر جا که خلقت راه یافته، علم نیز بدان جا راه یافته است. هریک از موجودات، به مقدار حظی که از وجود دارد، بهره ای از علم دارد. البته لازمه این سخن آن نیست که بگوییم تمامی موجودات از نظر علم با هم برابرند، یا بگوییم علم در همه یک نوع است و یا همه آنچه را که انسان می فهمد، می فهمند و آدمی باید به علم آنها پی ببرد.

اگر پی نبرد، معلوم می شود آنها علم ندارند؛ چون هیچ موجودی فاقد علم نیست. بنابراین، هیچ موجودی نیست مگر آنکه وجود خود را درک می کند، و می خواهد با وجود خود احتیاج و نقص وجودی خود را، که سراپایش را احاطه کرده، اظهار نماید. پس او پروردگار خود را تسبیح نموده و او را از داشتن شریک و یا هر عیبی منزّه می دارد. پس دلیلی ندارد که ما تسبیح موجودات را بر مطلق دلالت حمل کرده و مرتکب مجاز شویم؛ زیرا وقتی ارتکاب به مجاز جایز است که سخن صاحب کلام را نتوان بر حقیقت حمل نمود (طباطبایی، 1417، ج 13، ص 108-111).

شهید مطهری نیز در تفسیر سوره تغابن، به تسبیح موجودات اشاره کرده و معتقد است که تسبیح آنها به زبان ظاهری است، نه زبان معنوی (مطهری، بی تا، ج 7، ص 122).

با توجه به آنچه گذشت، به نظر می رسد نظریه آخر در این باره صحیح باشد. همچنین در آیاتی از قرآن در کنار جمادات ذوی العقول ذکر شده اند و چون در ذوی العقول تسبیح، حقیقی است، پس تسبیح جمادات هم حقیقی است. این خود تأییدی بر این نظریه است «وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ» (انبیاء: 79)؛ و کوه ها را با داوود و پرندگان به نیایش واداشتیم و ما کننده [این کار] بودیم «إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِشْرَاقِ» (ص: 18)؛ ما کوه ها را رام کردیم و کوه ها هر شامگاه و بامدادان با او تسبیح می کردند.

پس تسبیح همه موجودات عالم، به زبان لفظی و ظاهری است. هریک از آنها دارای درک و آگاهی و شعور هستند. این شعور دارای مراتبی است. بر اثر همین اختلاف مراتب، آثار آن نیز متفاوت است.

### گستره عبادت در قرآن

از نظر اسلام، عبادت منحصر به اعمال عبادی چون نماز، روزه، حج و... نیست، بلکه در فرهنگ اسلام، عبادت فراتر از اینهاست و همه شئون زندگی انسان را دربر می گیرد. از نظر اسلام، هر کار خیر و مفیدی، که با انگیزه پاک خدایی توأم باشد، عبادت است. رنگ و صبغه الهی دادن به کارها، بر ارزش آنها می افزاید و آنها را عبادت و گاهی برتر از عبادت می سازد. هر کاری که با نیت تقرب به خدا انجام گیرد، عبادت می شود. پس ابعاد و نمونه های عبادت قابل شمارش نیست.

درس خواندن، کسب کار، فعالیت اجتماعی و اقتصادی و همه کارهای روزمره زندگی، اگر با نیت خالص و برای خدا انجام شود، عبادت است. این دامنه وسیع عبادت که تمام زندگی انسان را دربر می گیرد، به طور آشکار بر جایگاه و اهمیت عبادت دلالت دارد. در روایات نیز به این نکته توجه شده است. برخی از کارهایی که در اسلام عبادت محسوب می شود، بیان شده است:

الف) تفکر: امام رضا (ع) در این باره می فرماید: «لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ فِي التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ (وسائل، باب استحباب التفکر) (... إِنَّمَا الْعِبَادَةُ فِي التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ) (بحار، باب التفکر...)».

ب) علم آ موزی: در حدیث آمده است: «مَنْ حَرَجَ يَطْلُبُ أَبَاً مِنْ عِلْمٍ لِيُرِدَ بِهِ بَاطِلًا إِلَى حَقٍّ أَوْ ضَلَالَةً إِلَى هَدًى كَانَ عَمَلُهُ ذَلِكَ

کعباده مُتَعَبِدٍ أَرَبَيْنَ عاماً؛ (مجلسی، 1404، ج 1، ص 181) هر کس از منزل خارج شود تا بابتی از علم را بیاموزد که به وسیله آن باطل را به حق و ضلالت را به هدایت باز گرداند، عملش همانند چهل سال عبادت است. - «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِلْمُ بِاللَّهِ»؛ (همان، ج 1، ص 215) افضل عبادات علم به خداست.

ج. عفت و پاکدامنی: ابوجعفر(ع): «إِنَّ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ عَقَهُ الْبَطْنِ وَالْقَرْحُ» (کلینی، 1365، ص 79)؛ همانا بهترین عبادت ها عفت شکم و فرج است.

د) کسب و کار: پیامبر<sup>ه</sup>: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ» (همان، ج 5، ص 78)؛ عبادت هفتاد قسم است و برترین آنها روزی حلال است.

ه) نگاه کردن: پیامبر<sup>ه</sup>: «التَّظَرُّ إِلَى الْعَالِمِ عِبَادَةٌ وَ التَّظَرُّ إِلَى الْإِمَامِ الْمُقْسِطِ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ وَ رَحْمَةٍ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْأَخِ تَوَدُّهُ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عِبَادَةٌ» (مجلسی، 1404، ج 71، ص 73)؛ نگاه کردن به دانشمند عبادت است. نگاه کردن به پیشوای عادل عبادت است و نگاه به والدین با رأفت و مهربانی عبادت است و نگاه به برادری که به خاطر خدا او را دوست داری، عبادت است.

پس رنگ و صبغه الهی دادن به کارها، بر ارزش آنها می افزاید و آنها را عبادت و گاهی برتر از عبادت می سازد.

#### مقایسه و نتیجه گیری

1. عبادت در قرآن، به معنای نهایت تذلل و تواضع در برابر مولا همراه با اعتقاد به الوهیت اوست. همچنین واژه «عبادت» در قرآن به معنای اطاعت و پرستش خداوند به کار رفته است. پرستش نیز به معنای اطاعت از خداوند در اوامر و نواهی ایشان است. خداوند در آیات زیادی به عبادت و اطاعت از خود و نهی عبادت شیطان و غیرخدا فرمان داده است. پس، عبادت چیزی جز اظهار خضوع و بندگی در برابر ذات لایزال الهی نیست.

2. در عهد عتیق، عبادت به معنای احترام، اکرام، فروتنی و تعظیم در برابر خداوند و ایجاد ارتباط با خداوند است. واژه «عبادت» در عهد عتیق به معنای خدمت و اطاعت پروردگار به کار رفته است و مجموعه باورها و شریعی است که دربرگیرنده وظایف ما در برابر خداست و انسان را به سعادت و رستگاری می رساند.

بنابراین، عبادت در قرآن و عهد عتیق، به معنای اطاعت از معبود به صورت مطلق و خضوع در برابر ایشان آمده است. عبادت مختص خداوند بوده و برای غیرخدا سزاوار نیست؛ زیرا تنها ذات حق شایسته عبادت است.

3. پرستش و عبادت خداوند در قرآن و عهد عتیق از جایگاه خاصی برخوردار است. در قرآن، عبادت به عنوان راز آفرینش، صراط مستقیم الهی، مأموریت انسان و دعوت نخست همه پیامبران بوده است. عبادت خدا در قرآن، آنقدر مهم است که خداوند فرموده، اگر در مکانی زندگی می کردید که در آنجا امکان اطاعت خدا برای شما فراهم نبود، از آن شهر هجرت کنید و به مکانی بروید که امکان پرستش خداوند در آنجا وجود داشته باشد.

4. در عهد عتیق نیز عبادت به عنوان عهد و پیمان الهی، طریق مستقیم الهی، مأموریت انسان و دعوت نخست همه پیامبران بوده است. همچنین عبادت در قرآن و عهد عتیق، تنها به نماز، روزه، قربانی و یک مجموعه اعمال مشخص محدود نمی شود، بلکه هر کاری که در آن رضایت خدا و نیت الهی وجود داشته باشد، آن کار عبادت است.

5. نکته دیگر درباره جایگاه عبادت این است که همه موجودات جهان به حمد و تسبیح خداوند مشغول هستند. نکته مورد توجه در این باره، نوع تسبیح موجودات است که در قرآن نظر غالب این است که تسبیح آنها، به زبان لفظی است، نه زبان معنوی. اما در عهد عتیق، با توجه به تفسیری که بیان شد، تسبیح موجودات به زبان معنوی است.

6. نکته مهم درباره اصل عبادت این است که خداوند در قرآن، عبادت را هدف آفرینش جن و انس دانسته است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: 56). طبق این آیه، هدف از آفرینش انسان تکامل فردی و اجتماعی در امور مادی، معنوی و اخلاقی است. هرچند منظور از عبادت در آیه هدف غایی خلقت نباشد.

اما خداوند هدف آفرینش را پرستش و توجه به بعد معنوی انسان می داند. درحالی که در عهد عتیق هدف آفرینش انسان را بارور شدن و تسلط بر موجودات می داند و به بعد مادی انسان توجه دارد، نه بعد معنوی: «پس خدا آدم را به صورت خود

آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید. و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: "بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می خزند، حکومت کنید" (پیدایش، 1: 27-28).

براساس این آیه، خدا انسان را آفریده است تا وی با استفاده از استعدادها و تلاش هایش بتواند بر تمام مخلوقات تسلط یافته و از نعمات این جهان به طور مشروع استفاده کند. این نگاه به زندگی انسان از دید مادی است.

هرچند در تلمود هدف آفرینش انسان عبادت بیان شده است: «مقصود از آفرینش انسان آن بود که به او امکان داده شود تا حمد و ثنای آفریننده جهان را به زبان آورد» (کهن، بی تا، ص 88)، اما در عهد عتیق چنین بیانی وجود ندارد.

7. بنابر تصریح کتاب مقدس دو پیمانی که خداوند به واسطه موسی(ع) با قوم او بسته، پیمان نخستین از سوی قوم مراعات نشده است و عهد الهی را شکسته اند و هر دو عهد محدود به قلمرو فرزندان یعقوب یا همان بنی اسرائیل است که به اصطلاح رایج در میان یهودیان، همان قوم برگزیده خداوند هستند. پرسشی که در اینجا مطرح است، اینکه آیا قومی که تنها در زمان حیات موسی چندین بار عهد و پیمان خود را نقض کرده و بارها پس از موسی و در زمان پیامبران بنی اسرائیل این عهدشکنی را تکرار کرده است، می تواند قوم مخصوص و برگزیده خدا باشد. آیا چنین قومی می تواند شایستگی اجرا و تحقق وعده خداوند را بر روی زمین داشته باشد یا خیر؟

8. در بیان قرآن، خداوند عبادت را عهد و میثاق الهی با قوم یهود بیان می کند که جز اندکی از آنها همگی از آن روی گردانده اند: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ» (بقره: 83)؛ «و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر، و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید، و نماز را به پا دارید، و زکات را بدهید، آن گاه، جز اندکی از شما، [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید».

در دیگر آیات نیز نماز و زکات به عنوان میثاق الهی مطرح شده اند. اما در بسیاری از آیات، از عهدشکنی بنی اسرائیل و عمل نکردن به دستورات خداوند سخن به میان آمده است. پس قوم یهود، این عهد و پیمان مهم را حفظ نکردند تا به وعده های خداوند و آثار این پیمان دست یابند.

#### منابع

ابن منظور، محمدبن مکرّم (1414)، لسان العرب، چ سوم، بیروت، دار صادر.

آلوسی، سیدمحمود، (1415)، روح المعانی فی التفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412 ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، الدار الشامیه.

سنن القویم، مبنی بر آراء افاضل اللاهوتیین، (1973)، بیروت، مجمع الکنائس فی الشرق الأدنى.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طریحی، فخرالدین (1375)، مجمع البحرین، چ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.

فخررازی، محمدبن عمر (1420ق)، مفاتیح الغیب، چ سوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

فیومی احمدبن محمد (1405)، مصباح المنیر، قم، دارالهجره.

قرضاوی، یوسف (1379)، عبادت در اسلام، محمد ستاری خرقانی، چ سوم، تهران، احسان.

کاشانی، ملافتح الله (1336ق)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.

کتاب مقدس (عهدین)، ترجمه قدیم، چ چهارم، انتشارات ایلام، 2007م.

کلینی (1365)، الکافی، چ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

کهن، ابراهام (بی تا)، گنجینه ای از تلمود، ترجمه فریدون گرگانی، تهران، اساطیر.

ماسون، دنیز (1385)، قرآن و کتاب مقدس درون مایه های مشترک، ترجمه فاطمه سادات تهامی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

مجلسی محمدباقر (1404ق)، بحار الأنوار، بیروت، المؤسسة الوفاء.

محمدیان، بهرام (1381)، دائرهالمعارف کتاب مقدس، تهران، سرخدار.

مطهری، مرتضی (بی تا)، آشنایی با قرآن، قم، صدرا.

.Torah commentary, Midrash rabbeinu bachya, Israel. 22

International standard Bible encyclopedia, bromily, Geoffrey williom, 23, 1988

منبع: فصلنامه معرفت ادیان شماره 13